

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هجدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۷، ۲۵۵-۲۷۲

نقدی بر کتاب

Metodi e protagonisti della critica letteraria

فاطمه عسگری*

چکیده

نقد ادبی شاید یکی از مهم‌ترین مباحث مدنظر رشته‌های ادبیات و زبان‌های خارجی باشد و همواره از جایگاه خاصی در میان محققان و متخصصان فن برخوردار باشد، چراکه درک و شناخت جریان‌های ادبی و فکری، که در بستر تاریخی و در پس زمان به عرصه ادبیات جهانی ارائه شده‌اند، بدون یاری این شاخه از علوم انسانی چه بسا سخت و گاه ناممکن آید. تاریخچه نقد متون ادبی در ایران نیز به‌وفور مطالعه شده است. آثار بسیاری در این زمینه در داخل کشور به تألیف یا ترجمه رسیده‌اند که در سطح دانشگاهی مورد استفاده استادان و دانشجویان رشته‌های زبان‌های خارجی قرار می‌گیرند. این کتاب، که از بعد شکل و محتوا مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، به‌خوبی توانسته است خواننده را با چهارچوب‌های کلی و اولیه علم نقد آشنا کند. شاید مهم‌ترین کاستی اثر مذکور را بتوان در فقدان انسجام منطقی و تاریخی لازم میان خاستگاه فرهنگی و بستر اجتماعی، که باعث تولید نوعی جریان فکری می‌شود، از یک‌طرف و از طرفی دیگر جریان‌های ادبی‌ای دانست که آن نوع خاص نقد را در خود جای می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: نقد ادبی، جینو تلینی، گزیده متون، جریان فرهنگی، بافت اجتماعی، نوآوری ادبی، انواع متدهای نقد.

۱. مقدمه

بی‌تردید، رشد و پیشرفت در هر علمی منوط به نوآوری و تولید محتوا در آن است. در یک قرن گذشته، در هر شاخه‌ای از علم تجربی شاهد برداشتن گام‌هایی بوده‌ایم که زندگی را

* استادیار گروه زبان و ادبیات ایتالیایی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، fateasgari@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۹

برای انسان آسان‌تر کرده است. علوم انسانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و پیشرفت‌های به‌دست‌آمده در زمینه علوم انسانی، ضمن حل و فصل چالش‌های مشترک جوامع بشری، به نشر علم و درک متقابل میان ملل انجامیده‌اند. علوم تطبیقی، که امروزه مورد مطالعه جمع‌کنیری از علما و ادباست، درها و مرزها را به روی مردم سرزمین‌های دور باز کرده و در درک وجوه اشتراک یا افتراق و هم‌چنین در بازبینی و ارائه تعبیری برای تمام مسائل و چالش‌های موجود در دنیای امروزه انسان را یاری رسانده است. علم نقد ادبی به‌عنوان مجموعه‌ای از تئوری‌های نظری و عملی، محتوا و مطالعات، و قضاوت‌ها و توضیحات، به بررسی ارزش و معنی آثار ادبی چه به‌شکل منفرد و چه به‌شکل دسته‌جمعی و در قالب یک جریان ادبی می‌پردازد (Gibellini 1999: 8-9). بر همگان بدیهی است که علم نقد ادبی در باطن خویش از متدهای متفاوت تغذیه شده است که طی بیش از یک قرن پیش و در سرزمین‌های مختلف به ارائه تعابیر گاه متفاوتی از آثار ادبی بین‌المللی منجر شده است. نقد ادبی به‌واقع مجموعه‌ای از دیدگاه‌هایی است که زاده ادغام فلسفه، زبان‌شناسی، و زیبایی‌شناسی بوده و خواه نویسنده اثر خواه خواننده اثر ادبی هرکدام به‌نحوی به نقد و تعبیر می‌پردازند.

۲. خلاصه‌ای بر تاریخچه نقد ادبی در ایتالیا

نقد ادبی به‌عنوان یک ساختار فکری و به‌عنوان اندیشه، قبل از آن‌که به‌شکل شاخه‌ای از علم درآید جزئی از فلسفه و بلاغت سخن‌وران یونان باستان و لاتین بوده و شناسایی آن به‌شکل علمی مستقل پدیده‌ای جدید است. از سده دوم قبل از میلاد مسیح با تعمق درباب اشعار هومر و بعدها درباب اشعار غزل‌سرایان یونانی و آثار تراژدیک عهد کلاسیک می‌توان گفت که نقد ادبی خلق شده است، اما در قرون وسطی است که با شکل گرفتن اولین یادداشت‌های منسجم درخصوص تاریخ و دستور زبان و منطق، که بر حفظ و آموزش علوم در قالب اخلاق و پداگوژی اصرار داشتند، عادت توضیح و تفسیر درون‌مایه‌های استعاره‌ای و چندمعنایی یک اثر ادبی پا می‌گیرد. شاید شاخه حقوق در این خصوص به‌شکل خاصی در نشر این عادت توضیح و تفسیر هم نقش به‌سزایی داشته است؛ چراکه تفسیر قوانین مکتوب برای ممکن کردن درک مفاد قانونی برای افرادی که سواد لازم دستگامی نداشتند راه را برای تفسیر آثار ادبی برای معرفی هرچه بیش‌تر آن‌ها در میان جمع ادبا میسر کرد (Capata 2009: 23). در همین دوره بود که تفاسیری بر کمدی الهی به همت جوانی

بوکاچو (Giovanni Boccaccio) و هم‌چنین به قلم فرزندان دانتِه آَلِگِیری (Dante Alighieri) کلیدی معتبر ارائه می‌دهند برای تفسیر و رمزگشایی از سبک و سیاق شعری و تاریخچه‌ای بر زبان‌شناسی و ادبیاتی که در این اثر جاودانه خلق شده است (ویکی‌پدیا).

فرانچسکو پترارک (Francesco Petrarca) به‌عنوان بنیان‌گذار اومانیسیم (Umanesimo) با به‌دست‌گرفتن مطالعات فیلولوژیک متعدد و مستمری در مورد آثار ادبیات کلاسیک و متعلق به دنیای لاتین، برای اثر ادبی یک هویت تاریخی مستقل و تمام‌عیار در نظر می‌گیرد. ابداع دستگاه چاپ بالطبع دقت و بازیابی روی متن اولیه یا دست‌نوشته را چندین برابر می‌کند و همین دوباره و چندباره خوانی متن اصلی به افزایش تفاسیر در حدود آن دامن زد. در هر صورت، برای این‌که شاهد خلق نقد ادبی به‌عنوان شاخه‌ای رسمی و مستقل از علم باشیم می‌بایست تا قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم صبر کرد: زمانی که گسترش و

انتشار مطالعات ریخت‌شناسی، زیبایی‌شناسی دریافت و بلاغت و فصاحت‌شناسی باعث شد که این رشته از تحقیقات درون‌متنی به‌جای قواعد شعری و ادبی درباری و گاه مبتنی بر اصول خشک و غیرقابل‌تغییر، خود را مجهز به قواعد و اصولی مرتبط به فلسفه ارسطو و افلاطون کند (کهنمویی پور ۱۳۹۱).

تحول جامعه ادبی به لطف اختراع گوتنبرگ و به‌دنبال آن نشر و انتشار کتب گوناگون و دست‌رسی راحت‌تر به انواع متون باعث رشد و پاگیری هرچه بیش‌تر علاقه به تفسیر متون و تشریح و مقایسه آن‌ها از لحاظ زبان‌شناسی و فن نگارش و زیبایی‌شناسی به یک‌دیگر شد. کمی بعد در دوران خردگرایی نقد به‌عنوان سنجشی منطقی و دلیلی بر پشت‌سرگذاشتن تمام تعصبات مطلق‌گرایانه مقامات سیاسی و مذهبی زمانه در مرکز و نقطه ثقل اندیشه قرار گرفت: بدین‌سان شناخت و تعبیر جدیدی نیز از نقد ادبی ارائه گردید که دیگر تابع اصول خشک و قوانین غیرقابل‌انعطاف و ازپیش‌نگاشته نبوده و بالعکس به‌شکل واضح و روشنی تابع رابطه میان خلق اثر ادبی و منطق و دلیل موجود برپایه خلق آن و به‌عبارتی میان «واژه» و «مفهوم» است. بدین‌سان یک اثر ادبی به‌عنوان یک پروژه روشن‌فکرانه و هم‌چنین اخلاقی مدنظر گرفته شد و با به‌اوج‌رسیدن فعالیت مقاله‌نگاری در عصر رمانتیک ایتالیا چهره منتقد ادبی، خواه به‌عنوان یک علاقه‌فردی و خواه به‌عنوان یک مسئولیت‌حساس اجتماعی، به‌رسمیت شناخته شد. در هر دو حالت، منتقد ادبی برحسب توانایی دانش ادبی و تاریخی و شناخت خویش سعی بر تفسیر یک محتوای ادبی و احساسات و عقاید نگارنده آن را برای خوانندگانی داشت که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شد. ادبای مشهوری چون

جاکومو لئوپاردی (Giacomo Leopardi) و شیلر اعتقاد داشتند که اگر که برای خلق هنر در عهد قدیم عامل تخیل بشری نقش مهمی را ایفا کرده است، در زمانه خرد و منطق و علم، نقد ادبی برای شناخت زیبایی اثر ادبی عاملی لازم و ضروری است. در سده نوزده میلادی نقد ادبی در اروپا تحت تأثیر ایدئولوژی‌های متفاوت، فرم و اشکال مختلف به خود گرفته و مکاتب ادبی خاصی را تغذیه می‌کند؛ برای مثال از تاریخ‌گرایی ایده‌آلیست هگل شاخه‌های جدیدی از نقد شکل گرفت که مهم‌ترین آن را می‌توان در نقد ادبی دسنکتیس (De Sanctis) یافت. اندیشه کارل مارکس به‌خوبی در نقد تاریخ‌گرایانه جای می‌گیرد و جریان طبیعت‌گرایانه یا همان ناتورالیسم (Naturalismo) متد تاریخ‌گرایانه، فیلولوژی، و مطالعه رابطه میان تولید محتوای ادبی و اسناد و مدارک تاریخی جوامع انسانی را سرلوحه مطالعات خویش قرار می‌دهد (Capata 2009). جریان دکادنتیسم (decadentismo) در اوج ادبیات انحطاط‌گرایانه رمز و راز را جزء شیرازه هنر معرفی می‌کند. بدین‌سان بعد از بندتو کروچه (benedetto Croce) رشته‌های تخصصی چون فیلولوژی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و مطالعات روان‌کاوانه با بهره‌مندی از علم نقد ادبی باعث شدند که این شاخه از علم بشری از ماهیتی محض چون «قضاوت‌کردن» فاصله گرفته و به «فهمیدن و درک» مکانیسم‌های تشکیل‌دهنده یک اثر ادبی نزدیک شود.

۳. معرفی اثر

در این بخش به توصیف شکلی، معرفی مؤلف، خلاصه محتوا، نقد شکلی و ظاهری کتاب موردنظر، و درنهایت به نقد روایی اثر اشاره می‌شود:

۱.۳ توصیف شکلی اثر

نام اثر *متدها و چهره‌های مهم نقد ادبی. همراه با گزیده متون پیش‌نهادی*^۱، مؤلف پروفیسور جینو تلینی (Gino Tellini)، به زبان ایتالیایی، مکان نشر میلان، ناشر موندادوری (Mondadori)، سال انتشار ۲۰۱۴ (ویراست پنجم)^۲، تعداد صفحات ۴۰۴ به‌اضافه ۱۲ صفحه پیش‌گفتار، قطع وزیری و به شماره شابک ملی ایتالیا ۶-۷۴۰۰۳-۸۸-۹۷۸ است. اثر حاضر برای نخستین‌بار در سال ۲۰۱۰ و با همین عنوان مذکور منتشر و تا سال ۲۰۱۴ با اندکی تغییر گرافیکی به‌چاپ پنجم رسید.^۳ این کتاب امروزه نیز در نسخه کتاب الکترونیکی (e-book) بر روی سایت‌های ناشرهای مطرح اروپایی قابل‌خریداری است. از همین مؤلف

که از چهره‌های شهیر مطالعات ادبیات ایتالیایی در ایتالیا و در جهان است اثر دیگری با عنوان *ادبیات ایتالیایی، روشی برای مطالعه (Letteratura italiana, un metodo di studio)* به‌همت همان ناشر به‌چاپ رسیده است که از شهرت زیادی در حیطه مطالعات دانشگاهی ادبیات ایتالیایی برخوردار است. اثر مورد نقد و بررسی در این فرصت، به‌ترتیب حاوی فهرست‌بندی زیر است:

فصل اول: رئالیسم متعهدانه فرانچسکو دسنکتیس (Francesco De Sanctis)، فصل دوم: مکتب تاریخ‌گرایی؛ فصل سوم: بندتو کروچه (Benedetto Croce) و نقد ایدئالیست؛ فصل چهارم: تاریخ‌گرایی مارکسیست، جامعه‌شناسی، تاریخ‌گرایی نوین؛ فصل پنجم: نقد ریخت‌شناسی، نقد سبک‌شناسی، نقد متنوع؛ فصل ششم: نقد روان‌کاوانه و نقد تماتیک (موضوعی یا نقد موضوع‌گرایانه)؛ فصل هفتم: عزلت متن ادبی. ساختارشناسی، نقد معنانشناسی، روایت‌شناسی؛ فصل هشتم: حقوق خواننده. پدیده‌شناسی، متدولوژی تعبیر، تفسیر متن ادبی، دریافت متن ادبی، و نقد ساختارشناسی؛ فصل نهم: فیلولوژی و نقد؛ فصل دهم: چشم‌اندازهای فمینیست و پساستعمارگرایی؛ فصل یازدهم: «نقد میلیتانت» (نقد امروز یا همان نقد نوین) و مقاله‌نویسی نقد متون؛ مطالعات نقد نویسندگان؛ و درنهایت بخش مربوط به واژه‌نامه ایتالیایی-ایتالیایی و متون ضمیمه‌شده که عبارت‌اند از: خوانشی چندبعدی بر داستانی از جوانی بوکاچو (Giovanni Boccaccio) (خوانش‌های ارائه‌شده از منتقدانی چون لوئیجی روسو (Luigi Russo)، ماریو باراتو (Mario Baratto)، جوانی زنجونی (Giovanni Nencioni)، آلساندرو سِرپیری (Alessandro Serpieri)، و چزاره سِگره (Cesare Segre)؛ هم‌چنین در بخش ضمیمه‌ها: *کدام متد؟ اومبرتو اکو (Quale metodo? Umberto Eco)*، سه جوجه جغد روی کمد (*Tre Civettesulcomò*)؛ و درنهایت بخش مراجع، نمایه اسامی به‌همت فرانچسکا مکاتی (Francesca Mecatti)؛ نمایه اسامی. شایان ذکر است که درمیان فصول نام‌برده فصل‌های چهارم و پنجم و هم‌چنین یازدهم و دوازدهم بیش‌ترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده‌اند.

۲.۳ خلاصه محتوای اثر

نویسنده در مقدمه‌ای بر اثر خویش، که بیش‌تر نقش معرفی اثر را دارد، بیان می‌کند که قصد ارائه مباحثی جامع درخصوص متدولوژی نقد ادبی و به‌خصوص متدهای ارجح که از نیمه دوم قرن نوزدهم تا به امروزه در علم تفسیر و شناخت متون ادبی به‌کار گرفته می‌شوند را

دارد (10: Tellini 2014). در این راستا مؤلف، ضمن اشاره مختصری به جریان کلی نقد در اروپا و در جهان، بیش‌تر مباحث خویش را به جریان‌های شکل‌گرفته در ایتالیا اختصاص داده است. البته طی تجزیه و تحلیل برخی متون ادبی ارائه‌شده در کتاب بیش‌تر سعی بر آن دارد تا از مرزهای ملی ایتالیا خارج شده و به سرزمین‌های آن‌سوی آلپ و آمریکای شمالی نیز اشاره دارد. مؤلف با نظریه‌های دسنکتیس (De Sanctis) در باب روش‌های جدید و قدیمی نقد و اشاره‌ای به تئوری‌های نیچه در بخش مقدمه کتاب خواننده را به‌شکل جزئی با مفاهیمی چون نقد ساختارگرایانه، ساختارشناسی، نقد معنی‌گرایانه، مطالعات فرهنگی، و ساختارشکنی آشنا می‌سازد. در همین بخش نویسنده با اشاره به چهره‌های مهم نقد چون لوکاج، برشت، و سپس گرامشی به مسئله جامعه‌شناسی نقد و نقد تاریخ‌گرایانه نو به‌عنوان متد نقدی امروزه می‌پردازد. وی به این مهم اشاره دارد که در امر نقد ادبی نمی‌توان به هیچ‌عنوان به برتریت مطلق متد خاصی معتقد بود و نمی‌توان شعور و آگاهی خواننده متن را برحسب سلیقه و تمایل شخصی نویسنده به‌سمت روش خاصی از تفسیر مفاهیم و شناخت واقعیت یک اثر ادبی رهنمون شد. جینو تلینی هم‌چنین اعتقاد دارد که خواننده می‌بایست دارای تجهیزات تکنیکی و علمی لازم برای نقد یک اثر ادبی باشد که البته صرف شناختن تئوری‌های نقد به‌هیچ‌عنوان در این راستا کارآمد نخواهد بود، بلکه درک ضرورت شناخت اثر ادبی و داشتن علاقه به مطالعه آن از دیدگاه‌های تعبیری گوناگون و هم‌چنین تجربه و شناخت لازم از یک‌سری عوامل تاریخی و اجتماعی و روان‌شناسی از ارکان اساسی چنین فعالیت مهمی است. مؤلف صریحاً اعلان می‌دارد که قصد وی از نگارش این اثر ارائه یک تاریخ کامل نقد ادبی نیست، اما «در انتخاب نویسندگان و آثار ادبی پیش‌نهادی سعی کرده است تا از قالب یک تاریخ نقد ادبی فاصله زیادی هم نگیرد» (ibid.: 11). در این اثر مجموعه‌ای از انواع متدهای نقد معرفی می‌شوند البته بدون فراموش کردن نقش مهم منتقد ادبی که اثر یا آثار انتخابی را با تشخیص متد برتر به خواننده خویش معرفی می‌کند. مسئله مهم در این راستا هوش تعبیری و درک متن از طرف خواننده است که در نظر جینو تلینی منتقد را در انتخاب یا عدم انتخاب یک متد خاص نقد رهبری می‌کند. هم‌چنین «آن دسته از منتقدانی که فقط از نقطه‌نظر یک تئوری نقد با اثر ادبی روبه‌رو می‌شوند یا این‌که مطالعات تفسیری خود درباره اثر یا نویسنده اثر را لزوماً برای گروه محدودی از خوانندگان خاص در نظر می‌گیرند، در نظر جینو تلینی نمی‌توانند منتقدان قابل‌اعتمادی باشند» (ibid.). در این باب جمله‌ای از دسنکتیس مزین مطالب نگارش‌شده جینو تلینی است:

یک خواننده حق دارد تا در درک متن یک نویسنده مهم دچار مشکل باشد، اما نه در درک متن یک منتقد ادبی! چراکه ماهیت وجودی نقد ادبی برپایه آسان‌سازی درک و شناخت مفاهیم و ویژگی‌های متعدد یک اثر بنا شده است و منتقدی که در این مهم خواننده را یاری نکند قطعاً حرفه خویش را به‌خوبی نمی‌شناسد (ibid.).

متن‌های انتخابی در برگزیده نقد موجود در این اثر شاخص‌های تئوریک مهم تاریخ نقد دارند و به‌خصوص هم‌سو با نقاط عطف در مطالعات نقدی چونان بندتو کروچه (Benedetto Croce)، لوکاج (Lukàcs)، دلا وُلپه (Della Volpe)، و هم‌چنین با جریان‌هایی چون نقد سبک‌شناسی، نقد روان‌کاوانه و تئوری‌های فمینیست هستند. و اما در مورد علت انتخاب برخی نویسندگان ایتالیایی و معرفی نقد آثار ایشان باتوجه‌به این‌که طبیعتاً دامنه انتخاب بسیار گسترده و چه‌بسا بی‌حد و حصر باشد، تئینی اولویت را به نویسندگان و آثاری داده است که متد نقدی وارده بر اثر انتخابی آن‌ها توسط مؤلف به‌خوبی در قالب مثال برای خواننده، از ماهیت تئوریک و عملی نقد مربوطه پرده برمی‌دارد. هم‌چنین در رابطه با انتخاب محققان ایتالیایی، که از آثار یا نقد ایشان در این کتاب نام برده شده است، تئینی به تاریخ تولد آن‌ها (همگی تا قبل از ۱۹۴۷) توجه داشته است. نویسنده کتاب *متدها و چهره‌های مهم نقد ادبی*، در پیش‌گفتار خویش به این مسئله صریحاً اشاره دارد. در انتهای هر فصلی از کتاب نویسنده به معرفی مراجع مورد استفاده خویش در نگارش همان فصل و یا پیش‌نهادی جهت مطالعات بیش‌تر برای خواننده پرداخته است که می‌توان این نکته را به‌عنوان نقطه قوت اثر جینو تئینی در نظر گرفت. بی‌طرفی و دقت علمی در تجزیه و تحلیل آثار منتقدان معرفی شده در هر بخشی از کتاب نیز نشان‌دهنده توان‌مندی ادبی و اشراف کافی نویسنده چه بر جریان‌های نقد و چه بر چهره‌های مهم آن است، هرچند که خود تئینی اذعان می‌دارد که بی‌طرفی کامل در تولید چنین محتوایی گاه چونان واحه‌ای دور و غیرممکن می‌کند. تئینی در این خصوص اعتراف می‌کند که بی‌شک انتخاب یا عدم انتخاب منتقدان و نویسندگانی که در این اثر از آن‌ها نام برده شده است تحت‌تأثیر مطالعاتی است که وی در سال‌های تحصیل و تدریس در این زمینه داشته است و هم‌چنین طبیعت نقد‌شناسی دوره‌هایی که صرف تلمذ در محضر استادان خویش کرده است (ibid.: 12). در انتهای بخش پیش‌گفتار مؤلف امیدوار است که از طریق این اثر به دو هدف مهم خویش رسیده باشد: تشویق خواننده به مطالعه آثار ادبی کلاسیک، چراکه چنین آثاری هرگز ذات هنر را زیر سؤال نمی‌برند و متأسفانه اغلب اوقات نقد ادبی در این زمینه با ارائه خوانش‌هایی گاه پیچیده و گاه نامتعارف خواننده را از چنین آثاری دور می‌کند. و دیگر

این‌که تلینی توانسته باشد به خواننده قدرت تشخیص میان متن ادبی ارزش‌مند و «متن — زباله» (ibid.: 13) را هدیه داده باشد. از لحاظ گرافیکی تغییر مشهودی میان این نوبت چاپ اثر و چاپ‌های پیشین دیده نشد.

۳.۳ معرفی مختصر مؤلف

جینو تلینی استاد ادبیات ایتالیایی و مدیر گروه دکترای بین‌المللی در مطالعات زبان، فرهنگ، و ادبیات ایتالیایی در دانشگاه فلورانس است. از سال ۱۹۹۴ در کالج میدلبری (Middlebury College) در ایالات متحده آمریکا دوره‌های تابستانی ادبیات ایتالیایی را برگزار می‌کند. در سال ۲۰۰۵ به پاس برنامه‌های همکاری در مطالعات ایتالیایی - آلمانی، موفق به دریافت جایزه ولفگانگ پائول پلاکت (Wolfgang Paul Plakette) از دانشگاه بن شد. وی هم‌چنین در سال ۲۰۰۷ پروفیسور افتخاری در دانشگاه تورنتو بود و در دانشگاه‌های متعدد اروپایی چون بن (Bonn)، شامبری (Chambéry)، دیژون (Digione)، آیکشتات (Eichstätt)، فرانکفورت (Frankfurt)، کلاگنفورت (Klagenfurt)، پویته (Poitiers)، سوربون (Sorbonne)، و ورشو (Varsavia)، و در دانشگاه‌های آمریکایی چون ییل (Yale) و کلمبیا (Columbia) کنفرانس‌های ادبی زیادی برپا کرد. در میان آثار وی می‌توان از *ابداع واقعیت. مطالعاتی بر نشر جوانی ورگا*، چاپ سال ۱۹۹۳ (*L'invenzione della realtà. Studi Verghiani*)؛ *رمان ایتالیایی در قرن نوزدهم و بیست*، چاپ سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۶ (*Il romanzo italiano dell'Ottocento e*)؛ *لئوپاردی* چاپ سال ۲۰۰۱ (*Leopardi*)؛ *فیلولوژی و تاریخ‌نگاری: از تسوتا* قرن بیست چاپ سال ۲۰۰۲ (*Filologia e Storiografia. Da Tasso al Novecento*)؛ *الهه‌های ناآرام نویسندگان مدرن* چاپ سال ۲۰۰۶ (*Le Muse inquiete dei moderni*)؛ *مانترونی* چاپ سال ۲۰۰۷ (*Manzoni*)؛ *دوباره‌نویسی بیت: پارودی در ادبیات ایتالیایی* چاپ سال ۲۰۰۸ (*Rifare il verso. L'aparodia nella letteratura italiana*) نام برد. مجموعه‌ای از مقالات ادبی وی به زبان انگلیسی و با عنوان *ابداع ادبیات مدرن ایتالیایی. استراتژی‌های تصاویر خلاق* (*The Invention of Modern Italian Literature. Strategies of Creative Imagination.*) به‌همت انتشارات دانشگاه تورنتو در سال ۲۰۰۷ به‌چاپ رسید. تحت نظارت جینو تلینی هم‌چنین کتاب‌هایی در دو جلد در خصوص مطالعات علمی تمام رمان‌ها و آثار نویسندگان شهیر ایتالیا مانند ویتوریو آلفیری (Vittorio Alfieri)، جاکومو لئوپاردی (Giacomo Leopardi)، آلساندرو منترونی (Alessandro Manzoni)، نیکولو توماساوا (Niccolò Tommaseo)، جووانی

ورگا (Giovanni Verga)، و آلدو پالاتزسکی (Aldo Palazzeschi) در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ منتشر شدند که امروزه در دانشگاه‌های ایتالیایی به‌همراه ادبیات ایتالیایی. یک متد مطالعه (*Letteratura italiana. Un metodo di studio*) از همین مؤلف، جزء مراجع مناسب و کاملی برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات ایتالیایی در نظر گرفته می‌شوند.

۴.۳ نقد شکلی اثر

اثر حاضر به قیمت فعلی ۲۶ یورو، هم‌چون سایر کتب ناشر موندادوری مقدمه کوتاهی درخصوص محتوا و هدف از چاپ و نشر این کتاب در داخل جلد دارد. از لحاظ مؤلفه‌های چهارده‌گانه جامعیت صوری باید گفت این کتاب پیش‌گفتاری مختصر از مؤلف، ولی فاقد پیش‌گفتار ناشر و هم‌چنین فاقد خلاصه فصول دارد. از بعد نقد و تحلیل کیفیت چاپی و فنی اثر باید گفت که طرح روی جلد، کپی‌برداری از قلم و جوهردان (*pennaecalamaio*)، اثر هنرمند نامی جیم باربر (Jim Barber)، به‌خوبی از محتوای اثر پرده بر می‌دارد. هم‌چنین عنوان انتخاب‌شده بسیار گویاست. اطلاعات مختصری که در پشت جلد به چاپ رسیده در سه پاراگراف مختصر چشم‌انداز تقریباً جامعی به خواننده، خواه دانشجوی خواه استادان دانشگاه و محققان، ارائه کرده است. در داخل پشت جلد کتاب مؤلف به‌اختصار معرفی شده است. باتوجه‌به شهرت ناشر موندادوری در ایتالیا و در سراسر دنیا و هم‌چنین باتوجه‌به سابقه طولانی این ناشر در چاپ کتب مرجع و دانشگاهی، از بعد حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی، قطع کتاب، و اغلاط چاپی می‌توان این اثر را واجد شرایط مطلوب دانست. در صفحه شناس‌نامه کتاب نام و نشانی کمیته ویراستار علمی و ادبی و طراح گرافیک و صفحه‌بند دیده می‌شود. این کتاب کیفیت چاپی بالایی دارد و شرایط شکلی آن به‌صورت صددرصد رعایت شده است، اما اندازه انتخابی برای لغات می‌توانست کمی بزرگ‌تر باشد! پس از مدتی مطالعه، خواننده دچار خستگی چشمی می‌شود، البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد، از لحاظ حروف‌چینی و صفحه‌بندی کلاً این اثر قابل قبول است. ترتیب فهرست مطالب در تناسب با مطالب متن رعایت شده است. این کتاب را می‌توان از بعد قواعد عمومی نگارش و ویرایش در حد بسیار مطلوبی ارزیابی کرد. نقاط قوت این اثر را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. جامعیت طرح موضوعات همگی مرتبط با عنوان؛

۲. کیفیت بسیار بالای متن؛

۳. رعایت شرایط شکلی به صورت کامل؛
۴. بی‌نقص بودن در نگارش؛
۵. تحقیقی بودن متن از نظر علمی و ارزشی و هماهنگی کامل عنوان و محتوای متن؛
۶. تسلط کامل مؤلف به نکات مطرح در این کتاب؛
۷. دربرگرفتن بررسی آثار منتقدان معروف و سرشناس در جامعه علمی اروپا؛
۸. عدم مغایرت متون موجود در این کتاب با اصول و ارزش‌های اسلامی (این نکته آخر از این کتاب اثری مناسب همه فرهنگ‌ها می‌سازد؛ به همین دلیل، ترجمه آن به زبان فارسی صمیمانه پیش‌نهاد می‌شود).

۵.۳ میزان روانی و رسایی اثر

این کتاب را می‌توان برای تدریس درس «نقد ادبی ۲» به ارزش دو واحد درسی در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات ایتالیایی و همچنین برای ارائه مطالعات جامع برای تاریخچه و متدهای نقد ادبی در آینده برای مقطع کارشناسی ارشد در این رشته پیش‌نهاد کرد. البته این کتاب به شکل درس‌های سلسله‌وار گردآوری و تألیف نشده است و شاید همین امر نقطه ضعف عملی آن باشد؛ لذا تبحر مدرس نقد ادبی در زمینه تقسیم‌بندی متون مطرح شده بسیار مورد نیاز است. کلاً این کتاب برای تدریس بسیار مناسب است، چراکه تماماً به موضوع نقد ادبی و متدهای آن اختصاص داده شده است و مثال‌های مفیدی را در مورد هر جریان نقدی آورده است که برای دانشجو در هر دو مقطع بسیار مفید است. این اثر، با توجه به شهرت مؤلف در خصوص تدریس ادبیات ایتالیایی، محتوای علمی و ارزش بالایی دارد و پرداختن به جریان‌های مهم نقد را می‌توان از نقاط قوت آن برشمرد. ولی در نظر نگارنده این یادداشت نقدی سلسله‌مراتب تاریخی در مورد نقد ادبی در این کتاب دیده نمی‌شوند و در توجیه این کمبود شاید بتوان این‌طور گفت که مؤلف پیش‌فرض را بر این گذاشته که خواننده تاریخچه نقد ادبی را به خوبی می‌شناسد؛ به همین دلیل، این اثر برای نقد ادبی ۱، به ارزش دو واحد در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات ایتالیایی پیش‌نهاد نمی‌شود. از نظر علمی و ارزشی این کتاب کاملاً تحقیقی است و از نظر ارزشی، همان‌طور که اشاره شد، مغایرتی با ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی جمهوری اسلامی ندارد. متن یا محتوای محرک یا بازدارنده‌ای در آن یافت نشد. تسلط کامل نویسنده به اصول موضوعه کتاب و آشنایی وی با بزرگان ادبیات کلاسیک و

معاصر اروپا و انتخاب درست متون مورد مثال، از این کتاب متحد و یاور مناسبی برای مدرس نقد ادبی در سطح دانشگاه‌های کشور می‌سازد؛ به همین دلیل، ترجمه آن به فارسی بسیار مفید است.

باتوجه به تخصص و تجربه مؤلف در آموزش ادبیات ایتالیایی در دانشگاه فلورانس و در دانشگاه‌های خارجی و باتوجه به استفاده وی از منابع گوناگون زیادی در تألیف این اثر، کتاب پیش‌نهادی مباحث عنوان‌شده را حتی الامکان به صورت روان و روشن مطرح کرده است و برای دانشجوی ایرانی درک مطالب به هم‌راه یاری مدرس سخت نخواهد بود. طبیعتاً برخی مطالب توسط مؤلف با ایجاز مخل بیان شده‌اند و خواننده مبتدی به آسانی قادر به درک آن‌ها نخواهد بود: برای مثال، در تشریح دیدگاه برخی منتقدان نام‌برده در این کتاب و توضیح نظرات ایشان، مؤلف به سهو یا به عمد توجهی نداشته است و این شاید به آن دلیل باشد که وی فرض را بر این گذاشته است که خواننده از تاریخچه نقد و اصول پایه آن اطلاع مختصری داشته باشد.

۴. نقد محتوایی

در این بخش به ترتیب به نقد درون‌ساختاری، منبع و مرجع، تحلیل و بررسی علمی، نوآوری و میزان هماهنگی محتوای علمی و پژوهشی، و رویکرد کلی اثر اشاره خواهد شد.

۱.۴ نقد درون‌ساختاری

همان‌گونه که اشاره شد، محتوای کتاب در ۱۲ فصل تنظیم گردیده است که باتوجه به حجم هر فصلی مدرس دانشگاه ملزم خواهد بود مطالب هر فصلی را تقسیم‌بندی کرده و در چندین جلسه مجزا تدریس کند. در فصل اول، سخن از فرانچسکو دسنکتیس و نقد وی بر برخی آثار ادبی مشهور چون *کمدی الهی (Divina Commedia)* اثر دانته آلیگیری (Dante Alighieri) و *تفسیر وجدان و فلسفه ادبی و سیاسی نیکولو ماکیاوکی (Niccolò Machiavelli)*، و اصالت ادبی رمان *نامزدها (Promessi Sposi)* به قلم الساندرو مانتزونی (Alessandro Manzoni) به میان می‌آید. فصل دوم با عنوان مکتب نقد ادبی از مطالعات نقدی جوزوئه کاردوچی (Giosué Carducci) بر آثار جوزپه پارینی (Giuseppe Parini) و نقد ارنستو جاکومو پارودی (Ernesto Giacomo Parodi) بر کمدی

الهی و هم‌چنین از نقد می‌کله باربی (Michele Barbi) بر رمان نامزدها سخن به میان می‌آورد. فصل سوم، بندتو کروچه (Benedetto Croce) و نقد ایدئالیست، به مطالعات این منتقد بر آثار لودوویکو آریوستو (Ludovico Ariosto) و اهمیت و لزوم نقد ادبی و مخالفت کروچه با ادبیات معاصر می‌پردازد. در همین فصل مقالاتی از آتیلیو مومیلیانو (Attilio Momigliano) و لوئیجی روسو (Luigi Russo) در باب نقد متون ادبی آورده شده است. در فصل چهارم تئوری‌های لوکاچ و برشت و آنتونیو گرامشی در مورد طبیعت‌گرایی و ادبیات مردمی صحبت شده است. در همین فصل تئوری والتر بیننی (Walter Binni) در مورد مسئولیت حساس منتقد ادبی و نقد رابرت آزر روزا (Robert Asor Rosa) در خصوص مردم‌گرایی رئالیست جوانی ورگا و عملکرد و فایده اجتماعی متن ادبی در نظر جوزپه پترونیو (Giuseppe Petronio) نوشته شده است. در فصل پنجم این کتاب، که به نقد ساختارگرایانه، نقد سبک‌شناسی، و برخی تئوری‌های متنوع در مورد نقد اختصاص داده شده است، به‌طور جامعی به سبک ادبی و زبان‌شناسی رومان یاکوبسون (Roman Jakobson)، اهمیت دوباره خوانی متن ادبی به قلم لئو اشپیتزر (Leo Spitzer) و مطالعات جانفرانکو کونینینی (Gianfranco Contini) در خصوص سبک لئوپاردی و جووانی پاسکولی (Giovanni Pascoli) و سایر منتقدان پرداخته شده است. در فصل ششم، مؤلف با موضوع نقد روان‌کاوانه از مطالعات و تئوری‌های زیگموند فروید (Sigmund Freud) و جاکومو دِبندتی (Giacomo Debenedetti) مثال‌های حائز اهمیتی آورده است که ماهیت این جریان‌های نقدی را بهتر برای خواننده تفسیر می‌کند. بدین‌سان در فصل‌های بعدی کتاب به ترتیب از تئوری‌های نقدی چزاره سگره (Cesare Segre)، یوریچ میهایلوویچ لاتمن (Jurij Michailovic Lotman)، رولاند بارت (Roland Barthes)، ماریا کورتی (Maria Corti) و اومبرتو اِکو (Umberto Eco)، اِتزیو رایموندی (Ezio Raimondi)، جورج اِشتینر (Georges Steiner)، جورجو پاسکوالی (Giorgio Pasquali)، و جانفرانکو فولنا (Gianfranco Folena) مثال‌هایی آورده است. فصل دوازدهم شاید طولانی‌ترین و جالب‌ترین بخش کتاب باشد: در این فصل از تعداد زیادی از نویسندگان صاحب‌نظر نیمه دوم قرن بیست ایتالیا بحث‌هایی در مورد خوانش‌های متفاوتی که از یک متن ادبی می‌توان داشت آمده است که با توجه به تنوع در انتخاب و اهمیت این دسته از نویسندگان، دانشجوی درس نقد ادبی ۲ با دیدگاه‌های متفاوت و درعین حال مهمی در خصوص نقد ادبی آشنا خواهد شد. این فصل از کتاب تلئینی خود به‌تنهایی ارزش علمی و آموزشی بالایی دارد.

۲.۴ نقد منبع

نکته حائز اهمیت این است که نویسندگان در پایان هر فصلی منابع مورد استفاده و مورد پیش نهاد جهت مطالعات بیشتر و عمیق تر به خواننده ارائه کرده است. این موضوع می تواند در جلب نظر استادان، محققان، و دانشجویان بسیار مفید باشد و به این دلیل یکی از نقاط مثبت این کتاب را می توان در همین موضوع دانست که باتوجه به پیچیدگی مطالعات نقدی درخور ستایش و تمجید است. درخصوص تأمین اعتبار علمی این اثر می توان اذعان داشت که نویسندگان از کتب، مقالات، و نشریات حاصل کنفرانس های ملی و بین المللی زیادی در زمینه ادبیات و مطالعات نقدی بهره برده است. چه در منابع پایان هر فصل و چه در منابع انتهایی کتاب از پایان نامه های دانشگاهی یا از پایگاه های اطلاعاتی استفاده نشده است که البته باتوجه به غنی بودن بخش مراجع و منابع، این مسئله قابل اعتنا نیست. منابع مورد استفاده از میان آثار به زبان های مختلف از جمله ایتالیایی، آلمانی، فرانسوی، و انگلیسی بعضاً به سال های نیمه ابتدایی قرن بیست مربوط می شوند که البته این مسئله باتوجه به اهمیت انتخاب نویسندگان درخصوص برخی متون خاص ادبی کاملاً قابل توجیه است. همچنین جدیدترین منبع مورد استفاده مربوط به سال ۲۰۰۹ است که البته باید در نظر داشت که چاپ اول این اثر به سال ۲۰۱۰ برمی گردد، بنابراین، این کتاب از منابع به روز بهره مند است. شیوه آوردن فهرست منابع برحسب یکی از استانداردهای معتبر جهانی تعریف شده است. در کل کتاب از دقت زیادی در استنادات و ارجاعات برخوردار است و این امر جست و جوی منابع را برای بهره برداری خواننده سریع و راحت کرده است. منابع برحسب حروف الفبا و به ترتیب با نام خانوادگی و سپس با نام نویسندگان و سال چاپ اثر، سپس عنوان اثر، نام شهر محل نشر و در انتها با نام بنگاه انتشاراتی منظم شده اند.

۳.۴ تحلیل و بررسی علمی

مطالعه محتوای اثر مبین آشنایی جامع و دقیق نویسنده با مباحث مهم و کلیدی علم نقد ادبی است و این امر می تواند یارای مدرسان و استادان برای درس نقد ادبی باشد. تحلیل و بررسی نکات مهم در هر فصلی باتوجه به منابع در دسترس در پایان هر فصل نشان دهنده قدرت و تسلط نویسنده است. همچنین در تمام بخش های کتاب مؤلف سعی داشته در تحلیل های خود بی طرفی علمی را رعایت کند که البته علی رغم این محاسن یادآوری یک

نکته در این بخش از نقد اثر مهم است: اصولاً نویسنده به‌عمد تاریخچه نقد یا درآمدی بر آن را در این اثر نادیده گرفته است. لذا دانشجویی که به‌تازگی به مبحث نقد ادبی آشنا می‌شود در مطالعه این کتاب دچار مشکلات فراوانی خواهد شد. به همین دلیل در بخش پیشین این مقاله کتاب مذکور را جهت دو واحد درس نقد ادبی ۲ پیش‌نهاد کرده‌ایم. اشاره به تاریخچه نقد و ارائه توضیحی مختصر بر انواع روش‌های نقد در یک بخش پیش‌گفتار می‌توانست بر ارزش علمی و جامعیت این اثر اضافه کرده و طیف مخاطبان بیش‌تری را در نظر داشته باشد. برای مثال، پیترو جیبیلینی (Pietro Gibellini) در اثر خویش با عنوان *ارزش ادبی (Il valore letterario)* چاپ سال ۱۹۹۹ به‌همت نشر لا اسکوالا (La Scuola) در شهر برشا (Brescia)، قبل از پرداختن به انواع متدهای نقدی، در چند صفحه و به‌شکل خلاصه از تاریخچه نقد و روش‌های متداول آن صحبت به میان آورده است و این امر کتاب وی را برای دانشجویان ایتالیایی در مقطع کارشناسی مفید واقع کرده است.

۴.۴ نوآوری و روزآمدی اثر

علم نقد ادبی در ایران در مقایسه با سایر علوم مربوط به رشته‌های علوم انسانی، از لحاظ تئوری‌ها و تلفیق آن‌ها با متون ادبی و یافتن انواع کلیدهای تعبیر مفاهیم گوناگون یک متن ادبی، هنوز در مراحل نخستین رشد و بسط و تعالی قرار دارد. این امر در زمینه زبان و ادبیات ایتالیایی بسیار محسوس است؛ چراکه درمورد سایر زبان‌ها چون انگلیسی، روسی، فرانسه، و آلمانی نمی‌توان این‌چنین ادعا کرد. مطالعات نقدی در این دسته از زبان‌ها در کشور ما به لطف آثار تألیفی یا ترجمه استادان و کارشناسان فن و محققان دانشگاهی و غیره جایگاه خوب و قابل‌اعتمادی دارد. درمورد رشته زبان و ادبیات ایتالیایی کمبود در بخش مطالعات نقدی به‌خوبی محسوس است. لذا این کتاب درکنار آثار ارزش‌مند و جدیدی چون *نقد ادبی معاصر (La critica letteraria contemporanea)* به‌قلم آلبرتو کازاده‌ای (Alberto Casadei) و به‌همت نشر «ایل مولینو» (Il Mulino) در بولونیا (Bologna) به سال ۲۰۱۵ و هم‌چنین به‌هم‌راه متن *روایی. آموزش‌هایی برای خوانش و تفسیر (Il testo narrativo Istruzioni per la lettura el'interpretazione)* چاپ سال ۲۰۰۵ به‌قلم آندره برناردلی (Andrea Bernardelli) و رمو چزارانی (Remo Cesarani) و به‌همت همان ناشر می‌توانند در سطح دانشگاهی برای تدریس نقد ادبی بسیار مفید باشند. این کتاب می‌تواند خلأ علمی در مطالعات نقد زبان و ادبیات ایتالیایی در ایران را تاحدی رفع کند.

۵.۴ میزان انطباق و جامعیت اثر

کتاب مورد بحث از لحاظ انطباق محتوا با عنوان فصل‌ها و فهرست مطالب مندرج قدرت و استحکام لازم را دارد. البته باتوجه به حجم زیاد مطالب موجود در این اثر، طبیعتاً برای درس نقد ۲، که شامل دو ساعت تدریس در هفته است، خیلی بیش‌تر از نیاز واقعی آموزشی خواهد بود و به همین دلیل از لحاظ پوشش ساعات درسی وظیفه مدرس انتخاب برخی قسمت‌ها یا خلاصه‌برداری از آن‌ها جهت ارائه در کلاس درس است. از دیدگاه جامعیت مطالب این کتاب در رده آثار ممتاز قرار دارد، ولی با مطالعه دقیق منابع و مراجع مذکور در این اثر و باتوجه به غنای علمی آن‌ها، جای چند اثر مهم کلاسیک در زمینه مطالعات نقد ادبی خالی است که انتظار می‌رفت مؤلف باتوجه به شهرت خویش در مطالعات ادبی حداقل به آن‌ها نیز اشاره‌ای می‌داشت؛ در این فرصت از آثار مدنظر نام برده می‌شود:

۱. در زمینه نقد جامعه‌شناسی: سمبولیسم و تفسیر متن ادبی (*Simbolismo e interpretazione*) به قلم ژوتان تودوروف (Tzvetan Todorov)، ناشر گویدا (Guida)، ناپل ۱۹۸۶؛
۲. در زمینه نقد ساختارشناسی: مقاله‌هایی در مورد نقد (*Saggicritici*) به قلم رولاند بارت (Roland Barthes)، ناشر اینودی (Einaudi)، تورینو ۱۹۷۲؛
۳. در زمینه نقد روان‌کاوانه: فروید، ادبیات و دیگر (*Freud, la letteratura e altro*) به قلم ماریو لواجتو (Mario Lavagetto)، ناشر آئینودی، تورینو ۱۹۸۵؛
۴. در زمینه نقد تاریخی: رمانتیسیسم در ایتالیا. مقالاتی در خصوص تاریخ نقد و ادبیات (*Romanticismo italiano. Saggi di storia della critica e della letteratura*) به قلم ماریو فوبینی (Mario Fubini)، ناشر لاترتزا (Laterza)، باری ۱۹۵۳؛
۵. در زمینه نقد جامعه‌شناسی: نوشته‌هایی در مورد جامعه‌شناسی ادبیات (*Scritti di sociologia della letteratura*) به قلم گیرگی لوکاج (Gyogy Lukacs)، ناشر سوگار (Sugar)، میلان ۱۹۶۴.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، کتاب جینو تلینی به لحاظ غنای منابع و محتوا می‌تواند به عنوان یک دانش‌نامه مطالعات نقد ادبی در نظر گرفته شود، ولی نکته قابل ذکر دیگر این است که در تمام چنین اثر مشهوری از یکی از چهره‌های مهم و کلاسیک مطالعات تنوری‌های نقد یا همان آرنولد هائوزر (Arnold Hauser) هیچ نامی برده نشده است؛ شاید مؤلف باتوجه به سیر انتخاب منتقدان نام‌برده در متن کتاب خویش و با عنایت به این‌که

هائوزر بیش‌تر به تاریخ‌شناسی اجتماعی هنر پرداخته است تا به خود نقد، به این مسئله توجه نداشته است.

۶.۴ نحوه استفاده از ابزارهای علمی

همان‌گونه‌که در بخش نقد شکلی اشاره شد، اثر جینو تلینی از لحاظ مؤلفه‌های چهارده‌گانه جامعیت صوری، فاقد یک پیش‌گفتار علمی است که در آن به تاریخچه نقد ادبی پرداخته شده باشد. عواملی چون اهداف درس، خلاصه فصول، تمرین و آزمون و پیش‌نهاد پژوهش، که مدنظر شورای نقد متون درسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است، طبیعتاً در این اثر خارجی دیده نمی‌شوند. مع‌هذا کتاب موردنظر امروزه در دانشگاه‌های ایتالیایی و در دیپارتمان‌های زبان و ادبیات ایتالیایی در دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی مورداستفاده استادان و دانشجویان است؛ به این دلیل و باتوجه‌به جامعیت محتوا و وجود پیوست‌های علمی و تاریخی مهم، واژه‌نامه و نمایه اسامی در این اثر، برای استفاده در دانشگاه‌های داخل کشور پیش‌نهاد می‌گردد.

۵. رویکرد کلی اثر

وجود واژه‌نامه تخصصی، مفید، و بسیار غنی از اصطلاحات موجود در بحث تئوری‌ها و متدهای نقد ادبی قطعاً باعث آشنایی بیش‌تر و بهتر دانشجویان با واژه‌های تخصصی در این شاخه از مطالعات علوم انسانی خواهد شد. شاید باتوجه‌به این‌که در میان منابع و مراجع انتهایی مؤلف به نیکی از آثار انگلیسی، آلمانی، روسی، و فرانسوی نام برده است و در خیلی از موارد فقط به نام‌بردن از ترجمه ایتالیایی آن‌ها بسنده نکرده است، ارائه واژه‌نامه‌ای نیز به دو زبان ایتالیایی و انگلیسی به وجه بین‌المللی این اثر می‌افزاید.

۶. نتیجه‌گیری

این اثر یک کتاب دانشگاهی است و بالطبع همه اقشار خوانندگان به آن مراجعه نخواهند کرد و اقشار مختلف جامعه ایتالیا با آن سروکار ندارند. شاید فقط جامعه دانشگاهی و محققان برحسب نیاز به آن مراجعه کنند. ولی باتوجه‌به تخصص و اشتیاق نویسنده در زمینه مطالعات نقد ادبی و سابقه درخشان وی در تألیف آثار تخصصی جامع و مفید، می‌توان کوشش ارزش‌مند وی را قابل‌تحسین دانست به‌خصوص که در این حوزه علمی

در داخل کشور نیاز زیادی به به‌روزرسانی تألیفات و ترجمه‌های موجود است. ویراست زیبای این اثر نیز یکی از امتیازات آن به‌شمار می‌رود. حجم مناسب مطالب مندرج در این کتاب خواننده آشنا با علم نقد را نه تنها با چهارچوب‌های کلی و اولیه این علم آشنا می‌سازد، بلکه با بهره‌گیری از آثار بی‌شماری که به آن‌ها اشاره داشته است، خواننده کنجکاو را به سمت مطالعات جدیدتر رهنمون می‌شود و برای مدرسان جزء ابزار کاری مناسب قرار دارد. نکته منفی در این اثر همان فقدان یک بخش جامع در مورد تاریخچه نقد و توضیح ساده اصول اولیه و متدهای آن است. کتاب حاضر از لحاظ ابعاد شکلی، رسم‌الخط، قواعد زبانی، ویراستاری ادبی، و ساختار فصول در قیاس با خیلی آثار دیگر در این خصوص رجحان و برتری بالایی دارد. لذا برای ارتقای کیفیت آکادمیک این اثر نکات زیر پیش‌نهاد می‌شود:

۱. اضافه کردن یک مقدمه تاریخی خلاصه‌وار و یک نتیجه‌گیری برای هر فصل (شاید در آینده مترجم این اثر با ارزش بتواند با کسب رضایت مؤلف و ناشر به این مهم دست یازد).

۲. نوشتن یک فصل پیش‌گفتار برای معرفی جریان‌های مهم نقد ادبی.

۳. اختصاص مطالعات بیشتر به برخی شاخه‌های نقد چون مابعد استعمارگرایی و نقد تماتیک چون فمینیسم.

۴. بهره‌گیری از منابع الکترونیکی چون وب‌سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی.

پی‌نوشت‌ها

1. *Metodi e protagonisti della critica letteraria*. Con antologia di testi e prove di lettura.

۲. کتاب مورد نقد و بررسی در سال ۲۰۱۴ به چاپ رسیده است، ولی چاپ اول در سال ۲۰۱۰ وارد بازار شده است: چاپ اول ۲۰۱۰، چاپ دوم ۲۰۱۱، چاپ سوم ۲۰۱۲، و چاپ چهارم ۲۰۱۳.

۳. چاپ اول این اثر نیز ۴۱۶ صفحه دارد.

کتاب‌نامه

کهنمویی پور، ژاله (۱۳۹۱)، *نقد جامعه‌شناسی و لوسین گولدمن، از نقد جامعه‌شناختی تا زیبایی‌شناسی* دریافت، تهران: علمی و فرهنگی.

۲۷۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هجدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۷

- Barthes, Roland (1972), *Saggi critici*, Torino: Einaudi.
- Bernardelli, Andrea and Remo Cesarani (2005), *Il testo narrativo, Istruzioni per la lettura e l'interpretazione*, Bologna: Il Mulino.
- Capata, Alessandro (2009), *La critica letteraria*, Milano: Hoepli.
- Casadei, Alberto (2015), *La critica letteraria contemporanea*, Bologna: Il Mulino.
- Fubini, Mario (1953), *Romanticismo italiano, Saggi di storia della critica e della letteratura*, Bari: Laterza.
- Gibellini, Pietro (1999), *Il valore letterario*, Brescia: La Scuola.
- Lavagetto, Mario (1985), *Freud, Letteratura e altro*, Torino: Einaudi.
- Lukàcs, Gyrogy (1964), *Scritti di sociologia della letteratura*, Milano: Sugar.
- Tellini, Gino (2014), *Metodi e protagonisti della critica letteraria, Con antologia di testi e prove di lettura*, Milano: Mondadori.
- Todorov, Tzvetan (1986), *Simbolismo e interpretazione*, Napoli: Guida.
- https://en.wikipedia.org/wiki/Literary_criticism.
- https://it.wikipedia.org/wiki/Critica_letteraria.